



خصوصیت انقلاب فرهنگی در هر کجای جهان که باشد. اگر "فرهنگ" دقیقاً "فهم شود، اینست که برخلاف انقلاب اجتماعی - سیاسی، قهراً میسر نیست. برای اینکه با اندیشه، با روح، با روان و با قلب انسانی ارتباط دارد. پس نبایستی به هیچ وجه با تعارض و قهراً انجام پذیرد.

ارحمان برادر مجاهد مسعود در حوضی در سنندج انقلاب فرهنگی

سال اول - شماره ۶۵ - پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ - شماره ۵۵۱۸

الا وان الشيطان قد جمع حربه واستجلب خيله و رجله

ای مردم آگاه باشید که شیطان همسوی هم پیمانانش را جمع کرده، و سوارگان و پیادگاناش را بر علیه شما بسیج کرده است!

از همدارهای امام علی در نهج البلاغه خطبه ۱۰

به مناسبت سالروز اشغال فلسطین قهرمان

"صهیونیسم" کیفیتی جدید از حرکت امپریالیسم

در سال ۱۸۹۶ (تئودور هرتسل اطریشی با انتشار کتابی به نام "دولت یهودیان" و با شعار "یهودیان جهان فراگرد صهیون متحد شوید" ایده صهیونیسم را تدوین کرد.

فلسطین "ای سرزمین تباری بی شک سوی تو باز خواهیم گشت... ماه مه ۱۹۴۸، اسرائیل این فرزند نامتروع امپریالیسم سر از دامان فلسطین برآورد. دولت غاصب اسرائیل با حمایت فاطم امپریالیسم امریکا، به وسیله ی بورژوازی وابسته صهیونیسم زاده شد. از بی پایان جهانخواران، نژادی تازه ای در منطقه سم زده خاورمیانه آفرید: نژادی آوارگان... مردان و زنان و کودکان بی باوری که سرزمین مقدس پدرانسان را به سوی آوارگی رها می کردند... جوانانی که در دلهاشان تخم کینه ای مقدس بارور می شد. فلسطین در قلب همواره زنده شان نفس می بست و دیری نمی تابید که سلاح در دستهای دادخواهان جان می گرفت. "رام الله" و "بیت اللحم" به خون می طپید و "دیوار بده" به گریه می نشست.

پیدایش صهیونیسم

ایده "بازگشت مجدد یهودیان" که در جهت منافع قدرت های استعماری و بورژوازی یهود بود، نوانست با توجهات مذهبی و تاریخی، در میان یهودیان فقیری که تحت انواع مختلف ستمها، به دنبال مدینتی فاضله ای می گشتند، به زودی جای پائی برای خودش باز کند.

بقیه در صفحه ۲

گزارشی از ملاقات با محمود باقی پور مجروح بهشهر

برادر آگاهی که در هجوم مرتجعین به ساختمان انجمن جوانان موحد در بهشهر چشم خود را از دست داد.

همانطور که در گزارش مربوط به حمله ی عناصر مرتجع به ساختمان انجمن جوانان موحد در بهشهر، در محله ی شماره ۶ آمده است، در تاریخ ۱۶ اردیبهشت به دنبال سحرانی فخرالدین حجاری در بهشهر عده ای از افراد تحریک شده به سردمداری عده ای عناصر معلوم الحال، ساختمان انجمن جوانان موحد را مورد حمله و وحشیانه خود قرار می دهند. مردوزان ارجاع در این حمله ی ضد مردمی خود، علاوه بر رحیمی بودن تعداد زیادی از خواهران و برادران ما دوباره فاجعه ای دیگر آفریدند. هنوز چند روزی از در آوردن چشم خواهر بهرمانان بیوس صادقی در مراسم روز جهانی کارگر در سنندج گذشته بود که او را برای

مردم باقی پور؟ این تن مجروح را که در زیر نازمانی رنجها و داغها خستاست به کجا می کشانم؟ شاهنورد جنگ دیوسیا ه گرفتارید... "شریعتی"

"شریعتی"

فریادی علیه تشیع صفوی

واژه ی مقدس "نه" زندگی می کرد. "زندگی" را در رویای "دنیای یک متر در دو متر" سلولش چنین تعریف کرده بود: "ان، آزادی، فرهنگ، ایمان و دوست داشتن!" و او که از گستره ی بهناور "کوثر" برخاسته بود، می رفت تا در پس دیوارهای سترگ "شهادت" زندگی را در میدان مبارک استولت شیعه بودن تجربه کند. نه راستی در میدان جنان مسئولیتی است که ایمان در "زندگی" انسان جوان می زند: ایمان در دل من عمارت از آن سر صفوی است که پس از رسیدن به نام عدالت اقتصادی (به معنای علمی کلمه) و آزادی انسانی (به معنای غیر بورژوازی اصطلاح) در زندگی آدمی آغاز می شود. آری تنها در پس تراوش همگانی بوی خوش "ان" و برقراری عدالت اقتصادی است که "ایمان" و "زندگی" معنی می دهند؛ و آنان که در جهت تحقق حسن عدالتی

به یاد "جنبش تنباکو" اولین حرکت ضد استعماری خلق به رهبری روحانیت مترقی

"و اکنون تو، ای پستوای دین! اگر به یاری ملت شناسی و آنها را جمع و متحد کنی و با قدرت خود، کشور را از جنگ این گاهکاران بیرون سازی، چندان طول نمی کشد که مملکت اسلامی زیر نفوذ و اقتدار بیگانگان درآید... اگر این فرصت از دست برود و این معاهده ها در حیات تو صورت گیرد، در صفحه ی روزگار و صفحات تاریخ، نام سبکی نخواهی داشت..." (از نامه ی سید جمال الدین به میرزای شیرازی)

اواخر قرن نوزدهم، اوج استیلای امپریالیسم انگلیس بر کشور ماست. پادشاهان فاجار و عمال خائن استعمار، حاصل رخ نوده های محروم خلق را، به پای استعمارگران می ریزند و ایران را میدان امتیازات انحصاری سرمایه داران غربی می کنند. سال ۱۳۰۷ ه. ق. ناصرالدینشاه امتیاز انحصاری تولید و خرید و فروش دخانیات را، به ازای سالی ۱۵ هزار لیره ی انگلیس، به یک شرکت انگلیسی (کمیابی رزی) بخشید و دست مردم را به طور کلی از محصول تنباق و تنباکو کوتاه ساخت. بر طبق این قرارداد، کمیابی اجازه می یافت که از زارعین و حتی از حکام ولایت به هر نحو که می خواهد در این مورد استفاده کرده و لوازم مورد نیاز و حتی مهمات جنگی را بدون پرداخت حق گمرک به ایران وارد نماید! این قرارداد چشم دیرینه ی مردم را بست به استعمار انگلیس به لفظی اوج و افکار رساند. اولین عکس العمل چشم مردم در شهرهای تبریز و شیراز و اصفهان نمایان شد. مردم تبریز و شیراز، دروازه های شهر

موردی از همین درگیریها داشتیم. بودند خواهران و برادرانی که در این روز مورد تنگ حرمت واقع شدند کتک خوردند و... اما علیرغم تمام این فشارها صبر انقلابی خویش را فراموش نکرد و خود را موظف به اجرای دستور سازمانی خویش نمود. ● برادری به نام ف. ک که گویا معلم است، از اردیبهشت مجموعه ی ۴۰ - ۵۰ تیرک و نامه را که توسط ساگردان مدرسه حجاب تبریز اردیبهشت نوشته شده، برایمان فرستاده است. در یکی از این نامه ها توسط برادر کوچولویمان س. ق. دانش آموز کلاس چهارم نوشته شده. بعد از تریک خطاب به برادر مجاهد ما دقیقاً به همین دلیل نیز علیرغم تمام فشارها و صربانی که تحمل می کنیم، شکوفائی به آرزوی خود را با تمام وجود احساس می کنیم. دوم تشکر از خواهران و برادرانی که به توصیه های سازمانی بر حفظ نظم و رعایت حداکثر آرامش با جان و دل گوش فرا دادند و قابل تذکر است که عناصر آتوب - طالب و فتنه انگیز در ضد ایجاد درگیری های از پیش حساب شده بودند تا به این وسیله خوراک برای تبلیغات شوم خود علیه ما تهیه کنند لیکن هشیاری خواهران و برادران مانع باگرفتن چنین نوطه های شد. اما

مردم ومجاهدین

به راستی که اگر عده های بی پول و امکانات خود می نازند، جا دارد که برای چندین بار اعلام کنیم که ما چیزی جز سرمایه های انسانی شما عزیزان نداریم

کندگان در انتخابات منوالی به حوس می توان دید. مفاسدای سن، تور و شون و اسقبال مردم از رفرا دوم جمهوری اسلامی در مقابله با انتخابات اخیر حاکی از این واقعیت است، هر چند که سناری دوست ندارند آن را بسند و گشتن را هم از سوی ما حمل بر سناری جزیهای دیگر می کنند، وقتی که مردم، خود را در سربوخت خویش بی تاثیر بسند انگیزی مرحورد فعال از آنها گرفته می شود. به هر حال بررسی مساله انتخابات حایت احیا نیست، بلکه در این حال لازم است به نکاتی چند اشاره کنیم. اول تشکر ارهمی خواهران و برادرانی که در جریان انتخابات به ندای سازمان لبیک گفته و فعلا نه در آن شرکت کردند. راستی که اگر

طلوع پنجمین ستاره از سلاهی خورشید "امام محمد باقر (ع)" خجسته باد

دوران خود بوده است. بقیه در صفحه ۲

خواهران و برادران عزیز: هفتی گذشته را در تلاطم جریانات انتخاباتی بودیم. ارجحی پیش گمانهای مرحله ی دوم متعددی در این رابطه داشتیم. شکلی ما نسبت به این مساله ی مهم، همانطور که در سایر مقالات مجاهد و اعلامیه های سازمان آمده است، آن بود که نباید سکر مجلس را خالی کرد. بلکه با تأکید هر چه بیشتر بر ضرورت شرکت نوده های مردم، معتقد بودیم که شرکت هر فردی نباید سهمی، و لو اندک در آینده ی انقلاب ایران داشته باشد. مطابق اعلامیه های رسمی، مقالات متعدد و... همواره بر این امر توشه کردیم و با این که می دانستیم درد مردم چیست باز دیگر از آنها خواستیم که دلبرند شده و به ناس و بی تعاونی کشانده نشود که این همان چیزی بود که دیگران می خواستند. اما صحنه های خلوت حوره های متعدد رای گیری و بی علاقه بودن احساس بی نتیجه بودن شرکتشان در روز انتخابات، عمق فاجعه ای بی عمق را به ما نشان داد. این احساس شوم و هستی بر باد ده، بی تعاونی و کم شدن اعتماد مردم به مسئولین و دست اندرکاران جامعه حشمگیر بوده و این مساله را از سر برولی شرکت

صدای امریکا - این صدای منحوس سرمایه خواران جهانی - سرست از بیروزی بر آلمان رحر می خواند که: "خاورمیانه مسلم برس نقطه ی شروع جنگ آینده (حکک سوم جهانی) است... و به این دلیل ما موظفیم که سیاست مقتدر و بی امایی را در این منطقه در پیش گیریم... و فلسطین کلید سیاسی ایالات متحده در این منطقه است... و فلسطین آستن انقلاب بود..."

از اواسط قرن نوزدهم میلادی، تمایل به ایجاد یک دولت یهود در کانون توجهات بورژوازی غرب قرار گرفت. قدرتهای بزرگ اروپائی، تحت عنوان بررسی "مسئله ی شرق" گرد هم آمدند تا برای کنترل ستمگات عرب نشین دولت عثمانی - که نطفه ای جنبش و رهایی در درون شان بسته شده بود - چاره اندیشی کنند. "بولد و بازگشت مجدد یهودیان" در ذهن استعمارگران شکل گرفته بود و جالب اینکه به قول مورخین غربی: "مسیحیان انگلیس بیش از خود یهودیان این کشور، نسبت به امر بازگشت علاقه نشان می دادند". ساخته شدن کانال سوئز، اهمیت مساله را برای استعمارگران چندبرابر کرد، به همین دلیل سرمایه داران انگلیسی، فرانسوی و آلمانی، با توجهات و شیوه های مختلف روانی فلسطین شدند و با تاسیس شرکت های استعماری مختلف، زمینهای مرغوب فلسطینی ها را خریداری کردند. در سال ۱۸۸۰ چندین قرارگاه

شریعتی

فریادی علیه تشیع صفوی

بقیه از صفحه اول



این عکس توسط برادر م. ع. آ. تهیه و بر ایمان فرستاده شده است

فاطمین حد اکثر بهره برداری را از این نکت کرده اند و آن - طبق معمول سوانی - بهره گیری از حریت آمیخته به حسد مارتین است.

این ضربه هیچگاه او را از دامن اصلی مردم عامل نکرد و به ورطه ی درگیری های فرعی نینداخت. دامن که امید داشت او در جبهه ی مارتین، بر علیه مجاهدین بسنجد، ناامید و خشمگین، دهان حق گویش را بست و این "روح طوفانی" را در انبوی خانهای و روسای، به اسارت کشید. کلاس های درس و درد دلش را نیز پیش از این بسته بودند. اما "روح سرکش" تاب ماندن نداشت، برگشتند و هجرت بی پایانش را آغاز کرد. آخر او خود گفته بود: "در ماندن می بوسی... هجرت کلمه ی بزرگی در تاریخ "شدن" انسانها و تمدن هاست..."

روز ۲۶ / اردیبهشت سال ۵۶ برخاست و رفت... رفتنش نه به قصد گریز از بلا که به شوق "بلحاوتی" بود. وقتی که می رفت به فکر "شائی" بود که "هنوز در جنگ دیو سیاه گرفتارید..."

یادش شعله ی گرم دل های بلاخوانان باد...

نوطه های هشتم که این پاسداران و وارثان "ولایت سفیانی" چیده اند، هرگز در برابر گلوله باران جعل و تحریف و انهام و بهتان و حتی دشنام های بی دریغ ناموسی این مدعیان حمایت از روحانیت و ولایت کلمه ای در دفاع از حیثیت و شرف نگفتند

و به راستی او نه از خود، که از شرافت جوانان جان بر کفی دفاع می کرد کف اسلام انقلابی را در صحنه ی حوسین میدان عمل انقلابی زنده داشتند. در سوگ آنان "شهادت" -

زندگی". در مقابل نوطه های رنگارنگ "نوعی و غیر نبعینان"؛ صبورانه ایستادگی می کرد و از "جهاد عصر حوسین" غافل نمی شد: "من اکنون بیس از هر وقت رنج آن روح طوفانی و دریند را که می گفت: "صبر کردم، صبر کسی که خار در جسم و اسخوان در گلو دارد" احساس می کنم. رنج او را دارم بی آنکه عظمت و قدرت آن روح را داشته باشم... روحی که در نور و شوق زمانه رشد کرده و پریده ی ناآرامی که از همه ی مرغهای خانگی نفرت دارد و جان بمقراری که در تب و تاب جهاد و جهاد عصر حوسین و در حوس و خروش دورانی پرورده و همواره برای خدا زینسو در هوای مردم دم زده..."

در دادگاه نامرئی و حقیقت آوری تعقیب عقاید مریخین، که "داد" - ستانان برنوروش، در هر کوی و برزن و شهر و روستا به بی دادگری مشغول بودند، سوگند خورده که به خدا و رسول و ائمه و امام غائب و ولایت... اعتقاد دارد، اما برای قاضیان این "دادگاه" عظیم تنها یک چیز مطرح بود: با آنان بودن و با هرگز نبودن! و او با آنان نبود. این را خیلی پیش از این گفته و حوسین را هم به جان خریدده بود: من که خود قربانی اصلی

مطبوعات خارجی چه میگویند؟

دوره ی قبلی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، در شرایط انجام گرفت که دکتربس و ریشکسته ی "نیکسون-کی سنجر" عدم توانایی خود را در بر آوردن اهداف استعماری نشان داده بود، و آمریکا ثبات در بی سیاستمدارانی بودند که با تاکید بیشتر بر "ارزش های اخلاقی"، نتایج حاصله از شکست فاتح غول نظامی آمریکا در برابر خلق ویتنام را کاهش دهند. کارتر، با توجه به چنین ارزیابی ای بود که با ارائه ی دکتربس حوسین یعنی "سیاست به اصطلاح حقوق بشر" توانست به کاج سفید وارد شود.

اینک نیز در آسانه ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که "دکتربس کارتر" در برخورد با آگاهی خلق ها در هم ریخته است، دوباره شاهد جنگ و دندان نشان دادن امپریالیسم هسبم. کارتر مستقیماً تهدید کرده است که در صورت به خطر افتادن منافع در منطقه، دست به دخالت نظامی خواهد زد. خطرهایی که امپریالیسم را تهدید می کند، اساساً نهضت های انقلابی و آزادی بخشی هستند که کی سنجر آنها را "نهضت های رادیکالیسم و روشنفکران خواهان اصلاحات ریشته ای" می نامد که در صورت پیروزی، "معادله ی ژئوپولیتیک" را به زیان امپریالیسم دگرگون می نمایند. برای جلوگیری از به هم خوردن این معادله است که بار دیگر جنگ طلبان فعال شده اند. کنار رفتن "ونس"، که یکباره از "مثلث حقوق بشر سازان" بود، همزمان با مطرح شدن فعالانه ی "خط برزینسکی" انجام می گیرد. تبلیغات وسیع و برداشته ی هیات حاکمه ی آمریکا بر روی بحران های ایران و افغانستان و بی آمده های آن، افکار عمومی آمریکا را پذیرای این سیاست نموده است. بدین گونه، آمریکا هیات هیولای درمندان را یافته، که قصد شکست میله های "فلس حقوق بشری کارتر" را دارد، تا "خود" جنگ - افروزش را هرچه عریان تر به معرض نمایش بگذارد. در این بین علاوه بر این که بای منافع استعماری در میان است، این نیز از پشتیبانی صاحبان صنایع غول آسای نظامی نیز برخوردار است که به فروش و مصرف هرچه بیشتر تولیدات ویران ساز و مرگ آفرین خود چشم دوخته اند. اما این بار نیز همچون خلق های آزاد شده ی جهان، خلق قهرمان ما همگام با پیشاهنگان راستین خود، درسی به مراتب عظیم تر به امپریالیسم خواهد داد.

از: تایم (امریکا) / ۲۱ آوریل ۱۹۸۵ / (اردیبهشت)

کی سنجر: امروز، ما مواجه با اصول قدرت نظامی خود هستیم، و اقتصادمان هر چه آسیب پذیرتر شده است. در گوشه و کنار جهان نیز، با جنبش های رادیکال و نا روشنفکرانه ی که خواهان اصلاحات اساسی و ریشه ای هستند روز به روز هم بر تعدادشان افزوده می شود. روبرو هستیم، در حالی که از عده ی دوستان ما که اساس خط مشی شان را بر نزدیکی با آمریکا بی بری کرده اند، گاتنه می شود. برای مقابله با این موارد، آمریکا باید در چهارمورد زیر که اساساً هم با یکدیگر بی ارتباط نیستند، دست به اقداماتی برای یافتن راه حل مناسب بزند:

۱- موازنه ی قدرت نظامی

سمت گیری موازنه ی قدرت نظامی جهان به زیان آمریکا است، که جبرگی شوروی به لحاظ حاکمیت سلاحهای استراتژیک مسلم خواهد بود. خطر حمله ی اتمی شوروی در آینده ی نزدیک متصور نیست، بلکه روبروئی این کشور با ما، غالباً در مناقشات منطقه ای خواهد بود، که در این صورت آمریکا قادر نیست با تهدید به جنگ اتمی، برتری شوروی از نظر سلاحهای غیر اتمی را خنثی سازد. کارتر با کنار گذاردن برنامه های استراتژیک، و با ناکم سپاه دادن به نقش آنها و در نتیجه ی نفی قدرت، بر ناسامانی اوضاع افزوده است.

۲- معادله ی ژئوپولیتیک

معادله ی ژئوپولیتیک به مفهوم دسته بندی ها و ارزیابی هایی است که عین می کند آیا در مناطق حساس جهان، عناصر مانه رو و دوست آمریکا تسلط دارند، و با عناصر رادیکال دشمن آمریکا، آمریکا باید در نقطه ای و به نحوی نشان دهد که می تواند پاداش دوستی را داده و دشمنان را نیز به کفیر برساند، زیرا در غیر این صورت رژیم های مانه رو و متقی آمریکا بختگیری خود را از دست داده، و به بی طرفی کشیده می شوند. عناصر بی طرف نیز حذب رادیکالیسم خواهند شد.

۳- تحول انقلابی

کارتر با این تصور که می تواند با توجه نشان دادن به حقوق بشر و ارزش های اخلاقی، به جلب حمایت توده ها پرداخته و روسها را از معرکه بدر کند، تئوری علیه رژیم های راستگرا را می زند. اما حقیقت پیچیده تر از این تصورات است. باید تحول اوضاع در ایران را در درس عبرتی قرارداد که سقوط رژیم های ست گرا و محافظه کار، الزاماً "در خدمت ارزش های انسانی (!) نخواهد بود.

۴- روابط آمریکا و شوروی

آمریکا در مناسبات خود با شوروی، باید به شاساندن "حدود رفتار قابل قبول" بپردازد. بدین مفهوم که تنها در صورتی حاضر به دادن امتیاز خود که سبزی شدن عصر نوبل به قوه ی نظامی و پشتیبانی از اقدامات تروریستی را به شوروی بقبلماند.

"هیولای ترحم انگیزی به نام آمریکا"

از: نیوزویک (انگلستان) / ۲۸ آوریل ۱۹۸۵ / (اردیبهشت) - آمریکا، سمای یک غول برحم انگیز را پیدا کرده است، زیرا که در عین قدرت، توان مقابله با بحران های گوناگون بین المللی را نداشته و دچار در ماندگی شده است. ناشی گری کارتر نیز بر وخامت اوضاع می افزاید. - آمریکا و انگلستان می دانند که سیاست مسالمت جوینانه در اکثر موارد به نابودی و شکست می انجامد.

جنبش تنباکو...

بقیه از صفحه اول

سئل نامه و بیک و پیام از طرف مردم و روحانیون به سوی میرزا محمد - حسن شیرازی، مرجع بزرگ شیعه در سامرا، سرازیر شد. سجدی ها و فراری های حشش مردم، خود را به سامرا می رسانند و از میرزا می خواهند که حرکتی کند. سید جمال الدین با ارسال نامه ای به میرزا و ذکر پاره ای از معاهدات خانمان برآورد استعماری (و به خصوص تنباکو)، مسئولیت میرزا را در فعال خدو خلق یاد آورند. ۱۷ ماه پس از امضای قرارداد، شیرازی شیرازی طی تلگرام محترمانه ای به شاه، خواستار لغو امتیاز تنباکو و جنسودگی روحانیون سجدی گردید. شاه با سکوت و وقت گذرانی در این حال بود که حوش و خروش مردم فروشنید، اما حشش اعتراض همه جا - گیر شده بود و می رفت سامان پایهای

را به روی مانندگان کمیابی سجد کارگران حکومت در سرار، مردم را به خاک و خون کشیدند. در اصفهان مردم سر به تورش برداشتند، یکی از بخار، محصول تنباکو خود را آتش زد ولی از فروش و تحویل آن به کمیابی خودداری کرد. در تهران مردم خشمگین در خانه ی شیرازی آشناسی - یکی از روحانیون مورد احترام - گرد آمدند و از او خواستند که کاری بکند. آشناسی با شاه و امین السلطان سخن گرفت. شاه در نامه ای به آشناسی نوشت که "... منظور فرارسود بکنند. به عوام کالاهام یعنی چه؟ ... حیف از شفاست با علم و عقلی که دارید، عقل خود را به دست چند نفر طلا و اراد و احامر محله و سپرد دهید..."

مردم و مجاهدین

بقیه از صفحه اول

از ما سوالانی می نماید، گویا جواب های کار از طرف من و ۳۵ نفر دیگر به آنها داده شده مورد طبعشان نبوده و به همین دلیل ما را اخراج کردند. سومه ای از سوالات هیئت نخست روبروی به شرح زیر است: ۱- اگر شما را برای جلوگیری از نظارات به خیابان نبرد و به شما دستور دهند به طرف تظاهر کنندگان هدف گیری کنید آیا دستور را اجرا می کنید؟

آنچه در جریان تبلیغات مجلس شورای ملی از توده ها آموختیم، همان حق بودن آنهاست، چه اگر آنها بفره مند و آگاه گردند، زمین برای امپریالیست ها و پایگاه های آنها، کوچک خواهد بود

۲- عقیده ی شما در باره ی رادیو تلویزیون چیست، آیا سانسور در آنجا وجود دارد؟ یا خیر... ۳- سانسور متاسفیم که هنوز که هنوز است برادران ما را در ارتش و شهرتانی همچنان مانند گذشته مورد شدیدترین تعقیب عقاید و تحمیل شیوه های ضد دموکراتیک قرار می دهند امیدواریم که هرچه زودتر از این قبیل شیوه های آریامهری خلاص شویم دو برادر از اصفهان به نام های م. هسن و م. م. ن. گزارش فعالیت - های خود را در دوره ی انتخابات برایمان فرستاده اند، درس بزرگی که

برادری از سبزی به نام الف. ف از سبزی که چندی پیش در سبزی تشکیل شد، بر ایمان نوشته است این برادر نقل کرده که جوته آقاییان اخطار و هشدار می داده اند که چه نشسته ای که اسلام از دست رفت این خطر نه از طرف ساواکی ها و نه از طرف کومینست ها بلکه از سوی مجاهدین است و... " ما بارها گفته ایم که چنین دیدی عملا چه صریحی به کل جنبش می زند. امید - واریم آقاییان اندکی سر عقل آمده با چشم بازتری به مسائل نگاه کنند. موفق باشید

نگاهی به اخبار و رویدادها

حفظ پل های ارتباط با غرب به سود کیست؟

تاریخ سیاسی مبین ما، هیچگاه دورانی بدین گونه پر تنب و تاب را به یاد ندارد. به لحاظ نقش تحولات ایران در معادلات جهانی، جهانخواران بر شدت تلاشهای خود برای حفظ شاهرگ حیاتی غرب افزودند. ایران، علاوه بر اینکه یک صادر کننده بزرگ نفت است بر ساحل شمالی خلیج فارس (که ۶۰ درصد نفت جهان غرب از این خلیج عبور می کند) نیز تسلط دارد. این تسلط، اهمیت استراتژیکی فوق العاده ای به ایران می بخشد. بازتاب عملی این اهمیت سوق الجیشی برای غرب، دست زدن به هر اقدامی برای حفظ گاتال های ارتباطی به ایران است. بر این اساس، خراب نگردن پل های ارتباط با ایران، بخشی از استراتژی امپریالیسم را در منطقه تشکیل می دهد.

در گذشت ابراهیم قاسم نیا را به برادران و خواهران در الیگودرز

تسلیم می گوئیم



الیکودرز:

اطلاع یافتیم برادر محاهد ما ابراهیم قاسم نیا در تاریخ ۲/۲۲/۵۹ به دنبال شماری خانگه سرطانی درگذشته است. او که در فقر و محرومیت بزرگ شد و زندگی کرد، همواره به خاطر محرومیت و درد - ندان مبارزه نمود.

بر و صورت جوس فراموش نمی کند تا این حال او علیرغم شماری ر حیران مستنگ خواهر رضایی های عهد فعالانه حرکت نمود و هم چنان با حالت مریضی سخت، میل به دست در حیران سل الیکودرز به باری مردم مصیبت رده شتافت. ما، در گذشت به علت مقاومت سرخسناهاش در برابر مهاجمین، شدیداً محروح شد. به طوری که دیدن های حلو او گسسه و جوسریزی زیادی ایجاد شد. سایر افرادی که در کنار ابراهیم مقاومت می کردند صدای الله ابراهیم او را با

از سرویس خبری مجاهد: در شهرستانها چه می گذرد...؟ متن تلگراف سه نفر از اعضای هیات نظارت به ستاد انتخابات وزارت کشور:

مسجد سلیمان:

تهران - وزارت کشور - انتخابات رونوشت به دفتر ریاست جمهوری رونوشت به فرمانداری مسجد سلیمان رونوشت به بازرسی وزارت کشور رونوشت به مطبوعات و رادیو تلویزیون

طبق ماده ۴۳ مدرج در آیین نامه ایستجابات، نتیجه شمارش آراء ساسی سر بها توسط فرمانداری به ستاد انتخابات کشور الیغ و همچنین توسط آگهی فرمانداری به اطلاع مردم شهر برسد.

لدا بدین وسیله به اطلاع می رسام که نتایج انتخابات در ساعت ۲۰ بامداد ۵۹/۲/۲۳ توسط ائمن نظارت مرکزی به فرمانداری الیغ گردید. نتایج شمارش آراء توسط اطلاعیه از طرف فرماندار در سطح شهر بخش شده اما تا این لحظه که روز ۲/۲۴ می باشد، نتایج انتخابات مانند دیگر شهرهای ایران از طریق

اعلامیه مجاهدین خلق - مرکز تبریز درباره ی انتخابات شهرستان تبریز

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

انجمن محترم نظارت بر انتخابات شهرستان تبریز مجاهدین خلق ایران، بر اساس دیدگاههای بومی خود مجلس شورای ملی را عالی ترین مرجع حل اختلافات از طریق شورایی و سالمت آئین تلقی نموده، سعی در مشارکت هر چه بیشتر اقتدار و طبقات اجتماع در امر فوق داشته ولی از آنجائی که در دور اول انتخابات وجود تخلفات و نقلیات سازمان یافته و گسترده که طبقاً با سهم نمودن مسئولین برگزار کنندگان انتخابات فوق الذکر امکان پذیر بوده و مورد اعتراض و شکایات عده ای مردم، شخصیت ها، کاندیداها و منجمله کاندیداها ی مجاهدین خلق ایران قرار گرفته، هیچ گونه اقدام قاطع و بنیانی در جهت روشن کردن وضع انتخابات دور اول صورت نگرفت و عمدتاً با احوالی امر فوق که یکی از حساس ترین مسائل انقلاب در مرحله ی فعلی است به روال خالی از مسئولیت اداری رسیدگی لازم از طرف انجمن نظارت و هیئت اجرایی معمول شد.

البته انتظار می رفت که انتخابات تبریز با توجه به شبهات و موارد فراوانی که داشت مورد پی گیری سریع و جدی هیئت هفت نفره قرار می گرفت و بعد از مشخص شدن تکلیف دور اول انتخابات برای مردم، قدم به مراحل بعدی گذاشته می شد. که متأسفانه این طور نشد. علیهذا انتظار جدی مردم تبریز و منجمله مجاهدین خلق ایران در این زمینه بی پاسخ ماند و بدین جهت در دور دوم انتخابات علاوه بر سرخوردگی که به اعتقاد ما مسئولین آگاهانه باعث آن شدند اعمال انواع شیوهای غیر اسلامی و ناپسند که در فاصله ی دور اول و دوم انتخابات که دقیقاً در جوهر آن بی علاقه کردن هر چه بیشتر مردم و به خصوص نیروهای آگاه جامعه تعقیب می شد، دست هم داده و همانطور که خود شما شاهد هستید، در دور دوم نزدیک به نود هزار نفر از دادن رای امتناع نمودند.

مفهوم امر فوق یعنی اظهار عدم اعتماد و اطمینان قریب به ۹۰

هرالد تریبون (۱۵ آوریل ۲۱ فروردین) - یک مقام ایتالیایی گفت: متحدان اروپایی امدوارند که در بین خودشان برای اعمال اقدامات نه چندان شدید (در حال ایران) به توافق برسند که ضمن آن هم وحدت خود را با ایالات متحده نشان دهند، وهم موقعیت خود را در ایران کاملاً به مخاطره نیندازند.

بقیه از صفحه ۳

"صهیونیسم" کیفیتی..

در عین حال انگلستان که وقوع جنگ آینده در اروپا را به خوبی حدس می زد، برای جلب حمایت اعراب در جنگ آبی، در این کنفرانس قول داد که "هرگز شرایط فلسطین را به نفع دولتی یهودی که موقعیت آن بر علیه خواسته های مردم عرب باشد، تغییر ندهد."

تغییر سیاست آمریکا در برابر فلسطین

آمریکا که در فاصله ی دو جنگ از یک سیاست به اصطلاح "عدم دخالت رسمی" در مسئله ی فلسطین پیروی می کرد، در آستانه ی جنگ دوم و به خصوص پس از تضعیف امپریالیسم انگلیس (که یکی از نتایج جنگ دوم بود) فعالانه در جهت تثبیت موقعیت خودش در منطقه قدم پیش گذاشت.

فلسطین و تشکیل یک دولت و ارتش یهودی، پیش بینی شده بود. در حقیقت بورژوازی صهیونیست که از سیاست میانه روانه انگلیس ناامید شده بود، برای تحقق خواسته های خودش به سمت ایالات متحده متمایل گردید.

از علاقمندان تقاضای خود که کمک های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره "۱۳۰۰ بانک صادرات شعبه ی ۴۵۹ واقع در بزرگ شیمیران واریز نمایند، و حواله ی آن را به صندوق پستی "تهران ۱۶ - شماره ۶۴/۱۵۵۱" ارسال دارند.

روزنامه "مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱

اقتصادی و بازرگانی علیه ایران شرکت خواهد کرد.

اقتصادی و بازرگانی علیه ایران شرکت خواهد کرد. وزیر امور خارجه ی انگلستان به صراحت اظهار داشت که تحریم اقتصادی ایران صرفاً عمل سیاسی از جانب دولت انگلستان است.

در میان کشورهایی که این احتیاط را آشکار ساخته اند، فرانسه و آلمان غربی مدعی شده اند مشکلات حقوقی و قانون اساسی مانع لغو قراردادهای موجودشان می شود.

مقامات آلمان غربی اعلام کردند که این کشور احتمالاً در هفدهم ماه مه مکهم بهیمانان اروپایی آمریکا در باری محازاتهای عرب ایران تصمیم خواهند گرفت، تمام صادرات خود را به ایران ممنوع خواهد کرد.